

رابطه نوگرایی و نوسازی در عوامل جغرافیایی- فرهنگی با مدیریت سبک زندگی ساکنان شهرستان بیجار استان کردستان

ثریا قاضی

گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مصطفی ازکیا^۱

گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ساسان ودیعه

گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

یکی از تاثیرهای نوسازی و نوگرایی، دگرگونی در تولید و بازتولید سبک زندگی است. جوانان در هر جامعه‌ای پیشگام استقبال از تغییرات فرهنگی هستند و بخشی از جامعه به شمار می‌آیند که استعداد گسست فرهنگی و عدم بازآفرینی شیوه‌های سنتی زندگی را از خود نشان می‌دهند. از این رو، تحقیق حاضر با هدف تاثیر نوگرایی و نوسازی بر سبک زندگی والدین و فرزندان در استان کردستان به انجام رسیده است. در این پژوهش از نظریه‌های لرنر، مک کله لند، اسمیت و اینکلس، شارما و ترنر استفاده شده است. روش تحقیق علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل والدین و فرزندان بیجاری است، (فرزندانی که با والدین خود زندگی می‌کنند) که البته والدین در بازه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال و فرزندان در بازه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. تعداد نمونه‌ها معادل ۷۶۸ نفر برآورد گردید. از پرسشنامه محقق ساخته داده‌ها گردآوری شد. روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری مورد تایید قرار گرفت. با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون تجزیه واریانس دو طرفه داده‌ها آزمون شد. نتایج نشان داد، ابعاد همدلی، میل و نیاز به پیشرفت، رسانه‌های جمعی، جهت‌گیری تساوی‌گرایانه، استقلال طلبانه، و علمی بر مدیریت سبک زندگی والدین و فرزندان در استان کردستان تاثیر گذار بوده است.

کلیدواژگان: سبک زندگی، مدرنیته، نوگرایی، نوسازی، بیجار.

مقدمه

مدیریت بدن، پدیده نوظهوری است که در دهه های اخیر توجه اندیشمندان را از حوزه های گوناگون به خود جلب کرده است (Anderson, 2004). دیدگاه این گروه از اندیشمندان بیانگر آن است که مسئله مدیریت بدن بیش تر موضوعی اجتماعی و فرهنگی است که با گسترش مدرنیته شدت و گسترش قابل توجهی کرده است. به سخن دیگر، مفهوم مدیریت بدن ارتباط تنگاتنگی با مدرنیته دارد و در این دوران (مدرن) بدن به چالش کشیده شد. جایگاه والای بدن در گفتمان مدرن در حدی است که ترنر^۱ (۱۹۹۲) از آن به چرخش به سمت جامعه جسمانی یاد می نماید. با این وجود تنها در اواخر دهه ۱۹۸۰ م بود که بدن در مطالعات اجتماعی مفهوم سازی گردید (Termer, 1992). از دیدگاه نلتون و واتسون^۲ (۱۹۹۸) این افزایش تاکید بر بدن با عواملی نظیر تکنولوژی های مرتبط با بدن، چرخش به مدرنیته ی متاخر و در نظر گرفتن بدن به عنوان یک پدیده اجتماعی و بیولوژیکی ناتمام در حال تغییر در ارتباط است (اباذری، ۱۳۷۸). فرایند مدرنیته بر تمامی جوانب زندگی بشر در جوامع مختلف اثر گذاشته است که می توان اذعان داشت از یک سو منجر به ایجاد دگرگونی های عمیق مثبت و منفی در شیوه زندگی، رفتارها و ساختارهای هویتی و زندگی اجتماعی گردیده است و از سوی دیگر، موجب تغییرات فرهنگی وسیعی در گروه ها و اقشار مختلف جوامع به ویژه در میان زنان و دختران شده است.

با قرار گرفتن زنان به ویژه دختران جوان در معرض نوسازی و نوگرایی منجر به رشد اندیشه ها و گرایش های مختلف در عرصه های گوناگون اجتماعی - اقتصادی، به ویژه در مراکز علمی شده است. هم چنین این فرایندها رابطه ای دیالکتیکی با زنان جوان دارد، به طوری که آنان در برابر شیوه های گوناگون و جدید واکنش نشان می دهند. یکی از تاثیرهای نوسازی و نوگرایی بر آنان، دگرگونی در تولید و بازتولید شیوه مدیریت بدن و تصور زنان از خود و بدن زنانه دارد. جوانان در هر جامعه ای پیشگام استقبال از تغییرات فرهنگی هستند و بخشی از جامعه به شمار می آیند که استعداد گسست فرهنگی و عدم بازآفرینی شیوه های سنتی زندگی را از خود نشان می دهند (ذکایی، ۱۳۸۶).

یکی از شاخصه های جامعه مدرن مصرف گرایی است. در این جوامع ساختن هویت اجتماعی فرایندی یک سو به و منحصر به نهادهای اجتماعی و عوامل ساختی نیست. شکل گیری هویت در جوامع مدرن بیشتر فرهنگی است که خود را در مدیریت بدن متجلی می سازد و به میزان زیادی از الگوهای مصرف تأثیر می پذیرد. سبک زندگی با مصرف پیوند تنگاتنگی دارد. نوجوانان و جوانان با انتخاب عناصری از محیط و به میل خودشان، از جمله اشتراک در مصرف سرگرمی، آرایش، تزیین بدن. خود را تعریف می کنند. مصرف، تمیز دهنده هویت های افراد به صورت انفرادی و در سطح گروهی است. از ویژگی های دیگر سبک زندگی این است که شکل گیری آن ها گاهی در ارتباط با فرهنگ مسلط بر جامعه و گاهی در تقابل با آن است.

از سوی دیگر، یکی از مولفه های سبک زندگی مقوله بدن افراد است که در اصطلاح گیدنز به پروژه ای تاملی^۳ تبدیل شده است. به نظر وی، بدن مستقیم ترین و در دسترس ترین قرارگاه برای حمل و نمایش سبک های

1. Termer

2. Nettelton & Watson

3. Reflexivity

زندگی و اشکال هویتی است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۴۹). از نظر گیدنز: «خودآرایی و تزئین خویشتن با پویایی شخصیت مرتبط است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۹۵). به اعتقاد گیدنز، حالات چهره و دیگر حرکات بدن فراهم آورنده قرائن و نشانه‌هایی است که ارتباطات روزمره ما مشروط به آن‌هاست (همان: ۸۶-۸۷). بوردیو، هدف مدیریت بدن را اکتساب منزلت، تمایز و پایگاه می‌داند. وی در تحلیل خود از بدن به کالایی شدن بدن در جوامع مدرن اشاره می‌کند که به صورت سرمایه فیزیکی ظاهر می‌گردد. (Shilling, 1993: 127)

تبدیل سرمایه فیزیکی در واقع به معنای ترجمه و تفسیر حضور بدنی بر حسب اشکال گوناگون سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) در میدان کار، فراغت و ... می‌باشد. (Ibid : 127) بوردیو با در نظر گرفتن بدن به عنوان یک سرمایه فیزیکی، هویت‌های افراد را با ارزش‌های اجتماعی منطبق با اندازه، شکل و ظاهر بدنی مرتبط می‌سازد.. (Ibid: 14)

مدیریت بدن به معنای نظارت و دست کاری مستمر ویژگی‌های ظاهری بدن است (آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۴). انواع عادات در لباس پوشیدن، آرایش موی سر و استفاده از پیرایه‌ها (عطر، ادکلن و ...) دست کاری‌های پزشکی (جراحی بینی و انواع جراحی پلاستیک)، هم چنین شیوه مدیریت بهداشت و سلامت بدن (کنترل وزن از طریق ورزش، رژیم غذایی، رژیم دارویی و...) در زمره این شاخص‌ها هستند (چاوشیان، ۱۳۸۱: ۸۸-۸۶). جامعه ایران تا حدود یک قرن پیش دارای فرهنگی دو بعدی شامل فرهنگ ایرانی - اسلامی بود. اما در اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی با اشاعه و اقتباس برخی عناصر فرهنگی غرب به یک فرهنگ سه بعدی ایرانی، اسلامی و غربی تبدیل شد که پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاصی را نیز به دنبال داشت. این دگرگونی فرهنگی، تدریجی است؛ و آن بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است، از این‌رو، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند، درحالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ داشته، با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگتر، جهان‌بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است. مدیریت بدن مقوله‌ای برساخت و سیال است که تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی هر جامعه‌ای اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد. فرایند نوسازی و نوگرایی میدان انتخاب را برای زنان به ویژه دختران جوان گسترش داده و باعث بازتولید و تغییر در مدیریت بدن شده است.

به عقیده تاجیک، نوسازی اجتماعی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر فرهنگ جدیدی را به ارمغان می‌آورد که عاملان و حاملان مستقیم و بلافصل آن نسل‌های جوان جامعه‌اند. این فرهنگ جدید دقیقاً در مرکز ثقل و نقطه وقوع شکاف و فاصله نسلی قرار دارد. شهرنشینی یکی از ویژگی‌های مهم نوسازی اجتماعی است که با شکل‌دهی نظام فکری و رفتاری خاص خود تضادهایی را بین نسل‌های قدیم و جدید ایجاد می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷-۴۳). آزاد ارمکی (۱۳۸۹) معتقد است هر نسل با توجه به درکی که از اوضاع و موقعیت‌های اطراف دارد هویتی مستقل می‌یابد و در عین حال نیز به لحاظ حضور همزمان رابطه تعاملی پیدا می‌کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۹۳). معیدفر (۱۳۸۳) معتقد است عواملی چون افزایش آگاهی‌های اجتماعی جوانان از جامعه ملی و جهانی که منجر به شکل‌گیری ارزش‌های نو و افزایش سطح انتظار و توقع آنان می‌شود.

در این مطالعه، شهر بیجار به عنوان جامعه مورد بررسی انتخاب گردید. علت انتخاب این شهر این است که در مقایسه با سایر نقاط ایران از ویژگی‌های فرهنگی و ساختارهای سنتی - مذهبی خاصی برخوردار است که در چند سال اخیر ساختارهای اجتماعی - فرهنگی و نگاه و نگرش در بین نسل‌ها برمبنای آموزه‌های جهانی شدن و نوسازی تغییر کرده است و تفاوت‌های بین نسلی متمایزی را در این جامعه می‌توان مشاهده کرد. این تمایز اجتماعی بیشتر در حوزه مدیریت بدن تجلی یافته است. به طوری که هم اکنون پسران جوان اقدام به کاشت مو و عمل جراحی بینی می‌کنند و دختران جوان به جای پوشش چادر، ترجیح می‌دهند از پوشش مانتو استفاده نمایند. هم چنین در ظاهر آرایشی دختران جوان اقدام به آرایش صورت می‌کنند در حالی که این امر در مادران آنان مشاهده نمی‌گردد و این تفاوت به حدی است که شاید باعث ایجاد فاصله، دوری افکار و تغییر ساختارها و بافت‌های فرهنگی شده است. با افزایش عناصر نوسازی و نوگرایی تغییرات قابل توجهی بر پیکره و فاصله بین دو نسل در شهر به چشم می‌خورد. شیوه استفاده دو نسل از تکنولوژی و مولفه‌های نوسازی متفاوت است. با ایجاد گسترش امکانات شکل و مدیریت بدن نسل جدید سمت و سویی متفاوت از نسل قبل را در پی داشته است. از این رو، پژوهش حاضر در صدد تبیین تأثیر نوسازی و نوگرایی بر مدیریت بدن دو نسل (والدین و فرزندان) در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار می‌باشد.

بیجار، یکی از شهرهای استان کردستان، مرکز شهرستان بیجار و از قدیمی‌ترین شهرهای ایران است. بیجار در گذشته مرکز ولایت گروس بوده است. این شهر با ۱۰۹۴۰ متر ارتفاع از سطح دریا، از مرتفع‌ترین شهرهای ایران به حساب می‌آید، شهر بیجار از لحاظ ارتفاع ۷۷۰ متر از تهران و ۴۲۵ متر از سنندج بلندتر است. فاصله شهر بیجار تا سنندج مرکز استان کردستان ۱۴۲ و تا شهر تهران ۴۷۲ کیلومتر می‌باشد. شهر بیجار از شمال غربی به کوه نقاره کوب با ارتفاع ۲۰۲۱۰ متر و از مغرب به کوه نَسار با ارتفاع ۲۰۳۵۰ متر و از جنوب غربی به کوه بادامستان با ارتفاع ۲۰۲۲۵ محدود می‌شود. بیجار منطقه‌ای کوهستانی است، با آب و هوایی سرد و خشک. جمعیت این شهر بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۶۰۸۵۷ نفر می‌باشد.

اهالی شهر بیجار به زبان کردی سورانی با لهجه گروسی (به کردی: گه‌رووسی) و اقلیت ترکی سخن می‌گویند، همچنین در منطقه بیجار گروس به گویش‌های کلهری و گورانی نیز تکلم می‌کنند. مردم این شهر پیرو دین اسلام (تشیع و تسنن) هستند.

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و با توجه به ماهیت داده‌ها علی-مقایسه‌ای است. روش علی-مقایسه‌ای روشی است که طی آن پژوهش‌گر با مقایسه‌ی گروه‌های متشکل علت‌های احتمالی تغییر در متغیر وابسته را مطالعه می‌کند (میرزایی، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۹). جامعه آماری برای این پژوهش شامل والدین و فرزندان بیجاری است، (فرزندانی که با والدین خود زندگی می‌کنند) که البته والدین در بازه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال و فرزندان در بازه سنی ۱۵ تا ۳۰ سال مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. به طوری که شهر بیجار به ۵ منطقه‌ی (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) دسته‌بندی گردید. سپس به صورت تصادفی ساده از هر یک از مناطق منتخب، ۲ ناحیه، و هم چنین از هر ناحیه، یک محله، و از هر محله، دو خیابان و از هر خیابان، دو کوچه به شیوه قرعه‌کشی انتخاب گردید. در مرحله انتخاب

نمونه ها نیز پژوهش گر مجبور گردید، از روش نمونه گیری هدفمند استفاده کند. ملاک انتخاب خانواده های نمونه به شرح زیر است:

۱. خانواده هایی که هم پدر و هم مادر در قید حیات بودند؛ ۲. سن پدر و مادر بیش از ۶۰ سال و کمتر از ۴۰ سال نباشد؛ ۳. فرزندان مجرد و بین سنین ۱۵ سال تا ۳۰ سال انتخاب شدند. در واقع، در این پژوهش فرزندان که با خانواده خود زندگی می کردند، انتخاب شدند. از آنجا که آمار دقیقی از والدین و فرزندان با توجه به ویژگی های فوق الذکر در بیجار در دسترس نبوده است. از این رو برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران (۱۹۶۳) استفاده گردید. e میزان اشتباه مجاز = ۰.۰۵؛ P نسبت برآورده شده از وجود صفت یا ویژگی در جامعه = ۰.۵؛ q عدم وجود صفت یا ویژگی = ۰.۵؛ مقدار Z در سطح اطمینان ۹۵٪ = ۱/۹۶

$$n = \frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} = 384$$

براساس نتایج جدول، تعداد ۳۸۴ خانوار انتخاب شدند. از آنجا که از هر خانوار یکی از والدین و یک فرزند مورد پرسش گری قرار گرفتند، از این رو، مجموع تعداد نمونه ها معادل ۷۶۸ نفر برآورد گردید. به عبارت دیگر، افرادی به عنوان نمونه انتخاب گردیدند که با موضوع مرتبط بوده و معیارها و ویژگی های ورود به تحقیق را دارا بودند. ابزار جمع آوری اطلاعات در تحقیق، پرسشنامه است. ابتدا پرسشنامه محقق ساخته حاصل مطالعات نظری و مرور ادبیات نوسازی و نوگرایی و مدیریت بدن طراحی شد. البته شایان ذکر است، برخی از گویه های مربوط به ابعاد جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری استقلال طلبانه، جهت گیری عام گرایانه و جهت گیری علمی از پژوهش مهدی زاده (۱۳۸۱) و شمس نجف آبادی (۱۳۷۶) که قبلا از این مقیاس در ایران استفاده کرده اند، بهره گرفته شده است. پرسشنامه حاوی دو بخش است. در بخش اول پرسشنامه به بررسی ویژگی های جمعیت شناختی جامعه نمونه (سال تولد، وضعیت تاهل، و میزان تحصیلات) و بخش دوم پرسشنامه بیانگر میزان مناسب بودن و اهمیت مولفه ها و متغیرهای اصلی پژوهش (نوسازی و نوگرایی و مدیریت بدن) است. در این بین پاسخگو نظر خود را در باره میزان مربوط و مناسب بودن هر شاخص بر روی طیفی بین ۱ تا ۵ مشخص بیان کرد. پرسشنامه محقق ساخته جهت نهایی شدن در زمینه نوسازی و نوگرایی و مدیریت بدن توسط کارشناسان و اساتید (۵ نفر از اساتید و کارشناسان) نهایی گردید. سپس پرسشنامه ها بین جامعه آماری توزیع گردید. براساس نتایج، این پژوهش دارای متغیرهای اصلی نوسازی و نوگرایی و مدیریت بدن به ۱۰ بعد اصلی و ۹۷ گویه بوده است. نتایج ضریب آلفای کرونباخ نشان داد، مولفه های متغیرهای نو گرایی و نوسازی و مدیریت بدن از همبستگی درونی قابل قبولی برخوردار هستند.

جدول ۲. پایایی ابزار پژوهش با توجه به ضریب آلفای کرونباخ

متغیرها	ابعاد	میزان آماره آزمون کرونباخ
	همدلی	۰.۹۱۵
نوگرایی	میل و نیاز به پیشرفت	۰.۹۱۶
	جهت گیری عام گرایانه	۰.۹۲۳
	رسانه های جمعی (گروهی)	۰.۹۱۵

نوسازی	جهت گیری علمی	۰.۹۲۲
	جهت گیری تساوی گرایانه	۰.۸۹۲
	جهت گیری استقلال طلبانه	۰.۹۱۱
	استفاده از محصولات آرایشی و بهداشتی	۰.۹۵۳
مدیریت بدن	جراحی زیبایی و تناسب اندام	۰.۹۱۱

روایی محتوای پرسشنامه‌ها توسط متخصصان مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور پرسشنامه‌ها به ۶ تن از اساتید و صاحب نظران منتخب ارائه شد و از آنها درخواست گردید تا در موارد زیر نظرات خویش را اظهار نمایند در همین راستا با پی گیری های مستمر، نظرات اساتید متخصص گردآوری شد و پس از جمع بندی مطالب، اصلاحات لازم و ضروری انجام شد و پرسشنامه های مذکور تنظیم گردید. در مرحله آخر روایی سازه پرسشنامه ها با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی بررسی شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار spss23 استفاده گردید و از آزمون تجزیه و تحلیل واریانس دو طرفه استفاده گردید.



شکل ۱. نقشه تقسیمات کشوری استان کردستان

مبانی و چارچوب نظری

انقلاب صنعتی و نظام سرمایه داری منجر به رشد سریع شهرها، حاکمیت بوروکراسی، بسط فن آوری های مدرن و تشکیل دولت-ملت های وسیع گردید. مجموعه این عوامل ساختار اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی ویژه ای را به وجود آورد که روشنفکران غربی از آن تحت عنوان " مدرنیته " یا " تجدد" نام بردند. سپس همگام با چنین تحولاتی، بستر فکری و ایدئولوژیک مناسبی نیز فراهم شد که می توان آن را نوگرایی یا "مدرنیسم" نام نهاد (افشارکهن، ۱۳۸۳: ۵۵). در این جوامع، تجدد در طول زمان تبدیل به نظام نمادین شده که رویکردهای مدرن فکری و فرهنگی را نیز به همراه داشته است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶).

رویکرد نوسازی مبتنی بر دیدگاه های دورکیم در مورد دگرگونی جامعه ی مبتنی بر همبستگی مکانیکی به جامعه ی مبتنی بر همبستگی ارگانیکی و تفکیک اجتماعی ناشی از آن است. از طرف دیگر، اندیشه های وبر در مورد چگونگی

پیدایش جامعه‌ی صنعتی، سنت‌زدایی شده و عقلانیت‌گرا و ایده‌های مارکس پیرامون‌تطور و توسعه‌ی جوامع از مبانی نظری کلاسیک این نظریه هستند (وبستر، ۱۹۹۰). اما این دیدگاه به طور رسمی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ توسط برخی دانشمندان کارکردگرا مطرح شد که مهمترین آنها پارسنز بود (ترنر، ۱۹۹۰). نظریه نوسازی بعد از جنگ جهانی دوم در راستای سه رویداد اساسی پدید آمد که عبارتند از: گسترش کمونیسم و دکترین تحول‌گرای آن، هژمونی سیاسی نظامی ایالات متحده آمریکا در جهان و استقلال ملل مستعمره و نیاز به الگویی برای ورود آنها به عرصه‌ی توسعه و نوسازی. این نظریه، که از میراث فکری مهم دوره روشنگری است، معتقد است تنها نسخه‌ی اصلی توسعه و ترقی نسخه‌ی غربی است و کلیه‌ی جوامع باید الزاماً مراحل توسعه‌ی غربی را طی کنند (سو، ۱۳۸۸: ۸۲). مهم‌ترین ویژگی‌های این نظریه عبارتند از: تقدم اولیه به نقش ارزش‌ها، باورداشت‌ها و هنجارها در تشخیص سنتی یا مدرن بودن جامعه، شرایط لازم برای توسعه به مثابه‌ی شرط مقدم بر توسعه، کنارگذاشتن الگوهای سنتی زندگی اجتماعی و حتی نابودی مشخصه‌های سنتی همراه با پیدایش شکل جدیدی از قشریندی اجتماعی، اشاعه‌ی فرهنگی و رسیدن به مرحله‌ی مصرف‌انبوه (وبستر، ۱۹۹۵). نظریه نوسازی با اتکای به رویکردهای ساختی-کارکردگرایانه پارسنزی، فرض اصلی خود را تعادل و توازن نظام اجتماعی قرار می‌دهد و مفهوم موازنه را نقطه مرجع بنیادی و نهایی برای تحلیل نظام‌های اجتماعی تلقی می‌کند که با شرایط خارجی رو به رو می‌شوند (shilling, 1993). نوسازی فرایند گسترده‌ای است که ابعاد وسیعی از حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها را در برمی‌گیرد و در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانی قابل بررسی است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶). جامعه‌شناسان در تعریف نوسازی معمولاً ابعادی چون تفکیک و تمایز اجتماعی نقش‌ها و دگرگونی در کنش‌ها و غالب شدن کنش‌های عقلانی و منطقی در بین افراد جامعه توجه دارند و معتقدند نوسازی جامعه زمانی رخ می‌دهد که محدودیت‌های گذشته از میان برداشته شده و افراد بتوانند آزادانه خصوصاً از روستا به شهر، برای دادوستد و یا پیدا کردن کار کوچ کنند. اما افراد زمانی متجدد می‌شوند که قید و بندهای فکری از طریق آموزش و پرورش، سواد و رسانه‌های جمعی از بین برود و افراد به گونه‌ای دیگر به جهان بنگرند و به اصطلاح آگاهانه انتخاب کنند. بشیریه در تعریف خود از نوگرایی می‌گوید، نوگرایی بیان نوعی بینش مبتنی بر اصالت عناصر مدرنیته است و زمینه‌تئوریک و ذهنی تمام اقدامات عملی جوامع دور از تجدد غربی را برای تحقق تجدد فراهم می‌آورد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۴). ویلیام کائولی نوگرایی را به معنی روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی (اسطوره‌ای، اخلاقی، عاطفی و...)، رشد اندیشه علمی و خرد باوری و افزون شدن اعتبار فلسفه نقادانه، شکل‌گیری قوانین مبادله و به تدریج سلطه جامعه مدنی بر دولت (وبستر، ۱۹۹۵: ۵۹) می‌داند. این تعریف تقریباً کلیه ویژگی‌های جامعه مدرن را در بر می‌گیرد. ویژگی‌هایی که زاینده بستر ایدئولوژیک و فکری حاصل از جریان نوگرایی می‌باشد (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). روان‌شناسان اجتماعی معمولاً از نوسازی انسانی و روانی سخن می‌گویند و معتقدند که نوسازی روانی مفهومی است که به فرایندهای تغییر در سطوح ارزش‌ها، سبک‌های شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و غیره اطلاق می‌شود که در سایه تجاربی چون اقامت در شهر، رفتن به مدرسه، تماس با رسانه‌های جمعی و استخدام در بنگاه‌های مدرن به دست می‌آید و خود منجر به رفتارهایی می‌شود که دال بر توسعه اقتصادی و سیاسی جامعه دارد (ازکیا به نقل از وینر، ۱۳۵۰: ۱۷۰).

این پژوهش به دنبال تبیین تاثیر نوسازی و نوگرایی بر مدیریت بدن والدین و فرزندان در استان کردستان با نگاه موردی به شهرستان بیجار می باشد. در این تحقیق، پژوهش گر در رابطه با متغیرنوگرایی و نوسازی از نظریه های لرنر و مک کله لند از حوزه نظریه های نوسازی روانی؛ و اسمیت و اینکلوس و شارما در حوزه نوسازی اجتماعی و اقتصادی و در رابطه با مدیریت بدن از نظریه ترنر استفاده کرده است. به علاوه، از آنجا که در این مطالعه دگرگونی ارزشی بین دو نسل والدین و فرزندان نیز مورد بررسی قرار گرفته است، از این رو از نظریه اینگلهارت نیز بهره گرفته شده است. در این قسمت به طور اجمال به بررسی نظریه های فوق الذکر پرداخته شده است. از نظر لرنر^۱، سه ویژگی همدلی^۲، تحرک و مشارکت بالا، هسته مرکزی شخصیت نوسازی شده را تشکیل می دهد (دیوب، ۱۳۷۷: ۴۰). لرنر با طرح مفهوم همدلی و شخصیت انتقالی^۳، به معنی این که شخص این توانایی را در خود ببیند که خود را در جای دیگری بگذارد، در صورت شناسایی ابعاد روانی و آمادگی ذهنی افراد در پذیرش تجدد و نوآوری است. دیوید مک کله لند^۴، مساله انگیزش را در نظریه نوسازی در قالب ویروسی ذهنی تحت عنوان «میل و نیاز به پیشرفت» مورد توجه قرار داد (بنوغزیزی، ۱۳۷۴: ۱۷). الکس اینکلوس^۵ و دیوید اسمیت^۶: مطرح می کنند، انسان در شهر از وسایل ارتباط توده ای (روزنامه ها، رادیو، سینما و تلویزیون و ...) استفاده می کند (وینر، ۱۳۵۰: ۱۱۹) و تجربه شهرنشینی انسان را مدرن تر نمی سازد، بلکه ارتباط متمایز شهری ها با مدارس و دانشگاه ها، وسایل ارتباط جمعی، تجربه های کاری و ... است که به شهرنشینی اهمیت می دهد. (اینکلوس، ۱۹۷۶: ۲۲۹). شارما^۷ (۱۹۷۹) شاخص جدیدی برای سنجش نوگرایی ارائه کرده که دارای جهت گیری هایی در ابعاد مختلف از جمله، جهت گیری علمی، جهت گیری تساوی طلبانه، جهت گیری جهانی، جهت گیری پیشرفت، جهت گیری استقلال طلبانه، و جهت گیری مدنی بوده است (روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۲۵). "برایان ترنر" توجه تجاری و مصرفی به بدن را نشانه ای از زندگی خوب و شاخصی از سرمایه فرهنگی در جوامع مدرن و پسا صنعتی در نظر می گیرد، که این خود به توجه به زیبایی بدن، انکار بدن سالخورده، طرد مرگ و اهمیت به ورزش و ارزش متناسب بودن بدن در جوامع منجر شده است (Turner, 1996: 18). از آنجا که در این مطالعه تغییر ارزش ها در دو نسل مورد بررسی قرار گرفته است، از این رو، نظریه دگرگونی ارزش های رونالد اینگلهارت نیز مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مرور نظریه های مورد بررسی، متغیرها و فرضیه ها استخراج و در ماتریس نظریه ها و مدل مفهومی تنظیم شده است.

جدول ۱. ماتریس نظریه های مورد استفاده در پژوهش (چارچوب نظری پژوهش)

حوزه نظریه ها	نظریه پرداز	نظریه	فرضیه های حاصل از نظریه	مفاهیم مورد استفاده	متغیرهای مورد سنجش	سطح سنجش
نوسازی روانی	لرنر	نوگرایی	همدلی بر مدیریت بدن	همدلی/تحرک و مشارکت بالا/ همدلی	همدلی	شبه فاصله ای

1. Daniel Lerner

2. Empathy

3. Transitional Personality

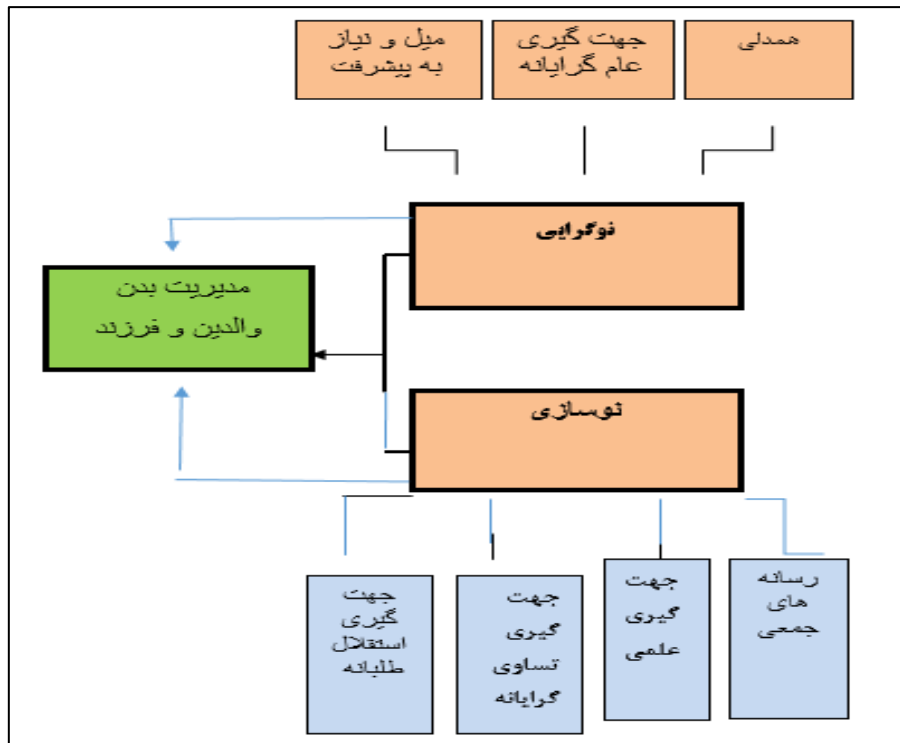
4. David McCullough Land

5. Alex Inklus

6. David Smith

7. Sharma's theory

				والدین و فرزندان در استان کردستان تاثیر دارد.	شخصیت نوسازی شده/ تحرک روانی و همدلی/ شبکه ارتباطات جمعی
شارما	نوگرایی	جهت گیری عام گرایانه بر مدیریت بدن والدین و فرزندان در استان کردستان تاثیر دارد.	جهت گیری علمی/ جهت گیری جهانی / گرایانه	جهت گیری عام	شبه فاصله ای
مک کله لند	توگرایی	میل و نیاز به پیشرفت بر مدیریت بدن والدین و فرزندان در استان کردستان تاثیر دارد.	پیشرفت/ نیاز و انگیزه/ میل و نیاز به پیشرفت	میل و نیاز به پیشرفت	شبه فاصله ای
نوسازی اجتماعی اقتصادی	اسمیت و اینگلس	نوسازی انسان	جنبه خارجی/ محیط انسان/ جنبه داخلی/ نظرها/ ارزش ها/ احساسات/ انسان مدرن/ وسایل ارتباط توده ای	ارتباط وسایل جمعی	فاصله ای
شارما	نوسازی	جهت گیری علمی بر مدیریت بدن والدین و فرزندان در استان کردستان تاثیر دارد.	جهت گیری علمی/ جهت گیری جهانی / جهت گیری پیشرفت/ جهت گیری استقلال طلبانه/ جهت گیری مدنی/ جهت گیری دموکراتیک	جهت گیری علمی	شبه فاصله ای
شارما	نوسازی	جهت گیری تساوی گرایانه بر مدیریت بدن والدین و فرزندان در استان کردستان تاثیر دارد.	جهت گیری علمی/ جهت گیری جهانی / جهت گیری پیشرفت/ جهت گیری استقلال طلبانه/ جهت گیری مدنی/ جهت گیری دموکراتیک	جهت گیری تساوی گرایانه	شبه فاصله ای
شارما	نوسازی	جهت گیری استقلال طلبانه بر مدیریت بدن والدین و فرزندان در استان کردستان تاثیر دارد.	جهت گیری علمی/ جهت گیری جهانی / جهت گیری پیشرفت/ جهت گیری استقلال طلبانه/ جهت گیری مدنی/ جهت گیری دموکراتیک	جهت گیری استقلال طلبانه	شبه فاصله ای
مدیریت بدن	ترنر	بدن و جامعه	نوسازی/ نوگرایی بر بعد مدیریت بدن والدین و فرزندان در استان کردستان تاثیر دارد.	مدیریت بدن	شبه فاصله ای
اینگلهارت	دگرگونی ارزشی	-	تحول ارزشی و فرهنگی در نگرش ها	نسلی / شکاف نسلی	-



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

یافته ها

یافته های توصیفی

براساس نتایج به دست آمده، میانگین سنی والدین ۵۰ سال با انحراف معیار ۲.۸۶ و فرزندان ۲۱ سال با انحراف معیار ۱.۴۵ بوده است. کلیه والدین مورد مطالعه متاهل بوده اند. در بین والدین، بیشترین درصد سطح تحصیلات مربوط به مقطع تحصیلی دیپلم (۳۸.۴ درصد) و کمترین درصد مربوط به افراد بی سواد (۲.۹ درصد) بوده است. در بین فرزندان، بیشترین درصد سطح تحصیلات مربوط به مقطع تحصیلی لیسانس (۴۰.۱ درصد) و کمترین درصد سطح تحصیلات مربوط به مقطع تحصیلی دیپلم (۵.۳ درصد) بوده است.

یافته های تحلیلی

در این بخش فرضیه ها مورد بررسی قرار گرفته اند. بدین منظور از تجزیه و تحلیل دوطرفه برای تاثیرگذاری متغیر مستقل بر وابسته در بین والدین و فرزندان استفاده شد که نتایج به شرح زیر است:

اثر تعامل نوسازی و نوگرایی در بین والدین و فرزندان بر مدیریت بدن آنان در استان کردستان

نتایج آزمون لون نشان داد، از آنجا که سطح معنی داری آماره F بزرگ تر از ۰.۰۵ است. بنابراین باید گفت که واریانس خطای دو گروه با همدیگر برابر بوده و تفاوتی بین آنها مشاهده نشده است.

جدول ۳. نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی ها

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig.	ضریب اتا
نوسازی و نوگرایی	۶۹۱۲۸.۴۱۸	۴۸	۱۴۴۰.۱۷۵	۲۱.۹۵۰	۰.۰۰۰	۰.۶۱۱
والدین و فرزندان	۱۳۰۳۸۶۸	۱	۱۳۰۳۸۶۸	۱۹.۸۷۲	۰.۰۰۰	۰.۰۲۹

۰.۱۶۰	۰.۰۰۰	۲.۷۸۲	۱۸۲.۵۰۲	۴۶	۸۳۹۵.۱۱۳	اثر تعامل
			۶۵.۶۱۳	۶۷۲	۴۴۰۹۱.۸۶۸	خطا
				۷۶۸	۲۷۳۵۵۶.۰۰۰	جمع

با توجه به نتایج جدول، متغیر نوسازی و نوگرایی بر متغیر مدیریت بدن در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. هم چنین نتایج اثر تعامل نوسازی و نوگرایی بین والدین و فرزندان بر میزان مدیریت بدن آنان نشان داد، تفاوت معنی دار بین میانگین میزان مدیریت بدن والدین و فرزندان وجود داشته است. به طوری که نوسازی و نوگرایی منجر به افزایش سطح کنترل و نظارت بر مدیریت بدن در فرزندان نسبت به والدین آنان شده است. هم چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده^۱ برابر ۰.۶۴۶ بوده است. این ضریب نشان می دهد، که نوسازی و نوگرایی توانسته ۶۴.۶ درصد از واریانس متغیر وابسته مدیریت بدن را تبیین کند و ۳۵.۴ درصد میزان مدیریت بدن مورد مطالعه در این پژوهش تحت تاثیر عوامل و متغیرهای دیگری است.

اثر تعامل همدلی در بین والدین و فرزندان بر مدیریت بدن آنان در استان کردستان

نتایج آزمون لون نشان داد، از آنجا که سطح معنی داری آماره F بزرگ تر از ۰.۰۵ است. بنابراین باید گفت که واریانس خطای دو گروه با همدیگر برابر بوده و تفاوتی بین آنها مشاهده نشده است.

جدول ۴. نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی ها

ضریب اتا	Sig.	F	میانگین مجدورات	df	مجموع مجدورات	منبع تغییرات
۰.۹۹۵	۰.۰۰۰	۳۵۹۳.۳۰۳	۳۷۸۸۸.۰۰	۳۶	۱۳۶۳۹۶.۷۸۹	همدلی
۰.۰۱۶	۰.۰۰۱	۱۱.۴۳۲	۱۲.۰۵۴	۱	۱۲.۰۵۴	والدین و فرزندان
۰.۱۹۶	۰.۰۰۰	۴.۶۸۵	۴.۹۴۰	۳۶	۱۷۷.۸۲۷	اثر تعامل
			۱.۰۵۴	۶۹۴	۷۳۱.۷۵۸	خطا
				۷۶۸	۲۳۳۵۵۶.۰۰۰	جمع

با توجه به نتایج جدول، بعد همدلی از متغیر نوگرایی بر متغیر مدیریت بدن در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. هم چنین نتایج اثر تعامل همدلی بین والدین و فرزندان بر میزان مدیریت بدن آنان نشان داد، تفاوت معنی دار بین میانگین میزان مدیریت بدن والدین و فرزندان وجود داشته است. به طوری که بعد همدلی منجر به افزایش سطح کنترل و نظارت بر مدیریت بدن در فرزندان نسبت به والدین آنان شده است. هم چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده^۲ برابر ۰.۹۹۴ بوده است. این ضریب نشان می دهد، که بعد همدلی توانسته ۹۹.۴ درصد از واریانس متغیر وابسته مدیریت بدن را تبیین کند و ۰.۶ درصد میزان مدیریت بدن مورد مطالعه در این پژوهش تحت تاثیر عوامل و متغیرهای دیگری بوده است.

اثر تعامل میل و نیاز به پیشرفت در بین والدین و فرزندان بر مدیریت بدن آنان در استان کردستان

^۱ . Adjusted R Squared

^۲ . Adjusted R Squared

نتایج آزمون لون نشان داد، از آنجا که سطح معنی داری آماره F بزرگ تر از ۰.۰۵ است. بنابراین باید گفت که واریانس خطای دو گروه با همدیگر برابر بوده و تفاوتی بین آنها مشاهده نشده است.

جدول ۵. نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی ها

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig.	ضریب اتا
میل و نیاز به پیشرفت	۷۷۶۴۱.۱۱۵	۵۹	۱۳۱۵.۹۵۱	۱۹.۹۰۹	۰.۰۰۰	۰.۶۴۰
والدین و فرزندان	۷۳۲.۸۷۷	۱	۷۳۲.۸۷۷	۱۱.۰۸۸	۰.۰۰۱	۰.۰۱۶
اثر تعامل	۱۰۲۶۶.۱۶۱	۴۶	۲۲۳.۱۷۷	۳.۳۷۶	۰.۰۰۰	۰.۱۹۰
خطا	۴۳۶۹۰.۶۸۲	۶۶۱	۶۶.۰۹۸			
جمع	۲۷۳۵۵۶۰.۰۰۰	۷۶۸				

نتایج جدول نشان داد، بعد میل و نیاز به پیشرفت از متغیر نوگرایی بر متغیر مدیریت بدن در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. هم چنین نتایج اثر تعامل میل و نیاز به پیشرفت بین والدین و فرزندان بر میزان مدیریت بدن آنان نشان داد، تفاوت معنی دار بین میانگین میزان مدیریت بدن والدین و فرزندان وجود داشته است. به طوری که بعد میل و نیاز به پیشرفت منجر به افزایش سطح کنترل و نظارت بر مدیریت بدن در فرزندان نسبت به والدین آنان شده است. هم چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده^۱ برابر ۰.۶۴۴ بوده است. این ضریب نشان می دهد، که بعد میل و نیاز به پیشرفت توانسته ۶۴.۴ درصد از واریانس متغیر وابسته مدیریت بدن را تبیین کند و ۳۵.۶ درصد میزان مدیریت بدن مورد مطالعه در این پژوهش تحت تاثیر عوامل و متغیرهای دیگری بوده است.

اثر تعامل جهت گیری عام گرایانه در بین والدین و فرزندان بر مدیریت بدن آنان در استان کردستان نتایج آزمون لون نشان داد، از آنجا که سطح معنی داری آماره F بزرگ تر از ۰.۰۵ است. بنابراین باید گفت که واریانس خطای دو گروه با همدیگر برابر بوده و تفاوتی بین آنها مشاهده نشده است.

جدول ۶. نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی ها

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig.	ضریب اتا
جهت گیری عام گرایانه	۱۰۵۹۱۶.۱۵۵	۳۴	۳۱۱۵.۱۸۱	۷۱.۳۷۵	۰.۰۰۰	۰.۷۷۷
والدین و فرزندان	۱۷.۳۲۵	۱	۱۷.۳۲۵	۰.۳۹۷	۰.۵۲۹	۰.۰۰۱
اثر تعامل	۷۵۴.۵۳۲	۳۴	۲۲.۱۹۲	۰.۵۰۸	۰.۹۹۲	۰.۰۲۴
خطا	۳۰۴۶۴.۵۰۹	۶۹۸	۴۳.۶۴۵			
جمع	۲۷۳۵۵۶۰.۰۰۰	۷۶۸				

براساس نتایج در جدول، بعد جهت گیری عام گرایانه از متغیر نوگرایی بر متغیر مدیریت بدن در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. اما نتایج اثر تعامل جهت گیری عام گرایانه بین والدین و فرزندان بر میزان مدیریت بدن آنان نشان داد، تفاوت معنی دار بین میانگین میزان مدیریت بدن والدین و فرزندان وجود نداشته است. به عبارت

¹ . Adjusted R Squared

دیگر، تفاوت معنی داری بین میانگین جهت گیری عام گرایانه والدین و فرزندان مشاهده نشده است، که اثر تعاملی آن با بعد جهت گیری عام گرایانه بتواند بر میزان مدیریت بدن والدین و فرزندان تاثیر بگذارد. هم چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده^۱ برابر ۰.۷۶۵ بوده است. این ضریب نشان می دهد، که بعد جهت گیری عام گرایانه توانسته ۷۶.۵ درصد از واریانس متغیر وابسته مدیریت بدن را تبیین کند و ۲۳.۵ درصد میزان مدیریت بدن مورد مطالعه در این پژوهش تحت تاثیر عوامل و متغیرهای دیگری بوده است. اثر تعاملی جهت گیری علمی در بین والدین و فرزندان بر مدیریت بدن آنان در استان کردستان نتایج آزمون لون نشان داد، از آنجا که سطح معنی داری آماره F بزرگ تر از ۰.۰۵ است. بنابراین باید گفت که واریانس خطای دو گروه با همدیگر برابر بوده و تفاوتی بین آنها مشاهده نشده است.

جدول ۷. نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی ها

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig.	ضریب اتا
جهت گیری علمی	۱۳۶۴۱۶.۸۷۷	۳۶	۳۷۸۹.۳۵۸	۳۵۴۱.۳۰۵	۰.۰۰۰	۰.۹۹۵
والدین و فرزندان	۱۱.۵۳۴	۱	۱۱.۵۳۴	۱۰.۷۷۹	۰.۰۰۱	۰.۰۱۵
اثر تعامل	۱۷۸.۷۴۵	۳۶	۴.۹۶۵	۴.۶۴۰	۰.۰۰۰	۰.۱۹۴
خطا	۷۴۲.۶۱۲	۶۹۴	۱.۰۷۰			
جمع	۲۷۳۵۵۶۰.۰۰۰	۷۶۸				

با توجه به نتایج، بعد جهت گیری علمی از متغیر نوسازی بر متغیر مدیریت بدن در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. هم چنین نتایج اثر تعامل جهت گیری علمی بین والدین و فرزندان بر میزان مدیریت بدن آنان نشان داد، تفاوت معنی دار بین میانگین میزان مدیریت بدن والدین و فرزندان وجود داشته است. به طوری که بعد جهت گیری علمی منجر به افزایش سطح کنترل و نظارت بر مدیریت بدن در فرزندان نسبت به والدین آنان شده است. هم چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده^۲ برابر ۰.۹۹۴ بوده است. این ضریب نشان می دهد، که بعد جهت گیری علمی توانسته ۹۹.۴ درصد از واریانس متغیر وابسته مدیریت بدن را تبیین کند و ۰.۶ درصد میزان مدیریت بدن مورد مطالعه در این پژوهش تحت تاثیر عوامل و متغیرهای دیگری بوده است.

اثر تعاملی جهت گیری تساوی گرایانه بین والدین و فرزندان بر مدیریت بدن آنان در استان کردستان نتایج آزمون لون نشان داد، از آنجا که سطح معنی داری آماره F بزرگ تر از ۰.۰۵ است. بنابراین باید گفت که واریانس خطای دو گروه با همدیگر برابر بوده و تفاوتی بین آنها مشاهده نشده است.

جدول ۸. نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی ها

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig.	ضریب اتا
جهت گیری تساوی گرایانه	۱۳۶۰۷۸.۹۳۹	۴۱	۳۳۱۸.۹۹۹	۲۱۶۰.۹۰۱	۰.۰۰۰	۰.۹۹۲
والدین و فرزندان	۱۱.۹۶۰	۱	۱۱.۹۶۰	۷.۷۸۷	۰.۰۰۵	۰.۰۱۱
اثر تعامل	۱۷۷.۸۱۹	۳۶	۴.۹۳۹	۳.۲۱۶	۰.۰۰۰	۰.۱۴۴

^۱ . Adjusted R Squared

^۲ . Adjusted R Squared

خطا	۱۰۵۸.۲۵۸	۶۸۹	۱.۵۳۶
جمع	۲۷۳۵۵۶۰.۰۰۰	۷۶۸	

نتایج بعد جهت گیری تساوی گرایانه از متغیر نوسازی بر متغیر مدیریت بدن در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. هم چنین نتایج اثر تعامل جهت گیری تساوی گرایانه بین والدین و فرزندان بر میزان مدیریت بدن آنان نشان داد، تفاوت معنی دار بین میانگین میزان مدیریت بدن والدین و فرزندان وجود داشته است. به طوری که بعد جهت گیری تساوی گرایانه منجر به افزایش سطح کنترل و نظارت بر مدیریت بدن در فرزندان نسبت به والدین آنان شده است. هم چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده^۱ برابر ۰.۹۹۲ بوده است. این ضریب نشان می دهد، که بعد جهت گیری تساوی گرایانه توانسته ۹۹.۲ درصد از واریانس متغیر وابسته مدیریت بدن را تبیین کند و ۰.۸ درصد میزان مدیریت بدن مورد مطالعه در این پژوهش تحت تاثیر عوامل و متغیرهای دیگری بوده است.

اثر تعاملی جهت گیری استقلال طلبانه در بین والدین و فرزندان بر مدیریت بدن آنان در استان کردستان نتایج آزمون لون نشان داد، از آنجا که سطح معنی داری آماره F بزرگ تر از ۰.۰۵ است. بنابراین باید گفت که واریانس خطای دو گروه با همدیگر برابر بوده و تفاوتی بین آنها مشاهده نشده است.

جدول ۹. نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی ها

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig.	ضریب اتا
جهت گیری استقلال طلبانه	۱۳۶۱۱۶.۳۷۸	۴۰	۳۴۰۲.۹۰۹	۲۱۹۳.۶۳۴	۰.۰۰	۰.۹۹۲
والدین و فرزندان	۷.۹۴۶	۱	۷.۹۴۶	۵.۱۲۲	۰.۰۲	۰.۰۰۷
اثر تعامل	۱۹۳.۵۳۰	۳۶	۵.۳۷۶	۳.۳۶۵	۰.۰۰	۰.۱۵۳
خطا	۱۰۷۰.۳۷۳	۶۹۰	۱.۵۵۱			
جمع	۲۷۳۵۵۶۰.۰۰۰	۷۶۸				

با توجه به نتایج، بعد جهت گیری استقلال طلبانه از متغیر نوسازی بر متغیر مدیریت بدن در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. هم چنین نتایج اثر تعامل جهت گیری استقلال طلبانه بین والدین و فرزندان بر میزان مدیریت بدن آنان نشان داد، تفاوت معنی دار بین میانگین میزان مدیریت بدن والدین و فرزندان وجود داشته است. به طوری که بعد جهت گیری استقلال طلبانه منجر به افزایش سطح کنترل و نظارت بر مدیریت بدن در فرزندان نسبت به والدین آنان شده است. هم چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده^۲ برابر ۰.۹۹۲ بوده است. این ضریب نشان می

^۱ . Adjusted R Squared

^۲ . Adjusted R Squared

دهد، که بعد جهت گیری استقلال طلبانه توانسته ۹۹.۲ درصد از واریانس متغیر وابسته مدیریت بدن را تبیین کند و ۰.۸ درصد میزان مدیریت بدن مورد مطالعه در این پژوهش تحت تاثیر عوامل و متغیرهای دیگری بوده است. اثر تعاملی استفاده از وسایل ارتباط جمعی در بین والدین و فرزندان بر مدیریت بدن آنان در استان کردستان نتایج آزمون لون نشان داد، از آنجا که سطح معنی داری آماره F بزرگ تر از ۰.۰۵ است. بنابراین باید گفت که واریانس خطای دو گروه با همدیگر برابر بوده و تفاوتی بین آنها مشاهده نشده است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون اثرات بین آزمودنی ها

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig.	ضریب اتا
وسایل ارتباط جمعی	۷۷۶۴۹.۵۳۸	۵۹	۱۳۱۶.۰۹۴	۱۹.۹۲۶	۰.۰۰۰	۰.۶۴
والدین و فرزندان	۷۴۹.۸۶۸	۱	۷۴۹.۸۶۸	۱۱.۳۵۳	۰.۰۰۱	۰.۰۱۷
اثر تعامل	۱۰۲۹۱.۹۵۲	۴۶	۲۲۳.۷۳۸	۳.۳۸۷	۰.۰۰۰	۰.۱۹۱
خطا	۴۳۶۵۸.۶۳۲	۶۶۱	۶۶.۰۴۹			
جمع	۲۷۳۵۵۶۰.۰۰۰	۷۶۸				

در رابطه با بعد استفاده از وسایل ارتباط جمعی از متغیر نوسازی بر متغیر مدیریت بدن در سطح معنی داری ۱٪ تاثیر گذار بوده است. هم چنین نتایج اثر تعامل استفاده از وسایل ارتباط جمعی بین والدین و فرزندان بر میزان مدیریت بدن آنان نشان داد، تفاوت معنی دار بین میانگین میزان مدیریت بدن والدین و فرزندان وجود داشته است. به طوری که بعد استفاده از وسایل جمعی منجر به افزایش سطح کنترل و نظارت بر مدیریت بدن در فرزندان نسبت به والدین آنان شده است. هم چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده^۱ برابر ۰.۶۶۴ بوده است. این ضریب نشان می دهد، که بعد استفاده از وسایل ارتباط جمعی توانسته ۶۶.۴ درصد از واریانس متغیر وابسته مدیریت بدن را تبیین کند و ۳۳.۶ درصد میزان مدیریت بدن مورد مطالعه در این پژوهش تحت تاثیر عوامل و متغیرهای دیگری بوده است.

نتیجه گیری

با وجود گذشت بیش از نیم قرن از شروع تجربه نوسازی و نوگرایی در ایران، هم چنان رابطه سنت و مدرنیته بین دو نسل (والدین و فرزندان) چالش برانگیز است. ایران در این مدت به واسطه نوسازی و نوگرایی و یا کوشش های معطوف به مدرنیته و پیامدهای آن در جامعه و نهادهای اجتماعی دچار دگرگونی های زیادی شده است. البته این امر بیانگر آن است که جامعه ایرانی تاحدودی در راه مدرنیته گام برداشته است و در برخی از حوزه ها از جمله حوزه های روانی و اجتماعی بیشتر و در برخی از حوزه ها (حوزه های اقتصادی و سیاسی) کمتر مشاهده شده است. اما آنچه حائز اهمیت است، مدرنیسم پایان نظم و امنیت دوران سنت است، مدرنیسم، زیست جهان انسان سنتی را با یک فضای گسست و تاسیس دائما متغیر و سیال روبرو کرد (برگر، ۱۹۶۷). نظریه نوسازی بیان می دارد وقتی جامعه ای در مسیر این تغییرات قرار گیرد، انواع خاصی از دگرگونی های ارزشی فرهنگی متحمل می شود. دگرگونی های مانند تحول و کم اهمیت شدن ارزش های سنتی در بین نسل های جوان تر ایجاد می گردد.

در این مطالعه پژوهش گر در صدد بررسی تاثیر نوگرایی و نوسازی بر مدیریت بدن والدین و فرزندان در شهر بیجار بوده است. در این پژوهش برخی از ابعاد نوسازی و نوگرایی در حوزه های اجتماعی - اقتصادی و روانی در بین دو

^۱. Adjusted R Squared

نسل والدین و فرزندان آنان مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد، میانگین نوگرایی و نوسازی (مدرنیته) در بین فرزندان (۴.۵) نسبت به والدین (۳.۲) بیشتر بوده است. هم‌چنین میانگین ابعاد نوسازی و نوگرایی در فرزندان سطح زیاد بوده است. به طوری که میانگین بعد همدلی برابر ۴.۶، میانگین بعد میل و نیاز به پیشرفت معادل ۴.۱، میانگین بعد جهت‌گیری علمی برابر ۴.۵، میانگین بعد جهت‌گیری تساوی‌گرایانه معادل ۴.۶، میانگین بعد جهت‌گیری استقلال‌طلبانه ۴.۷ و میانگین بعداستفاده از وسایل ارتباط جمعی معادل ۴.۴ بوده است. این نتیجه به طور غیر مستقیم در پژوهش‌های فرهمند و همکاران (۱۳۹۳) در ارتباط با تاثیر مولفه‌های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده‌های شهر یزد و پژوهش موسوی و علمدار (۱۳۸۸) در ارتباط نوگرایی و دینداری دختران جوان شهر تهران نیز تایید شده است. با وجود این که شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش‌ها با شاخص‌های به کار رفته در این مطالعه کاملاً یکسان نیست، اما در بسیاری موارد اشتراکاتی وجود دارد و در این مطالعات بر تاثیر ابعاد نوگرایی و نوسازی بر نگرش، رفتار و کیفیت زندگی نسل جوان نسبت به نسل پیشین اشاره شده است. هم‌چنین نتایج در راستای نظریه اینگلهارت نیز می‌باشد. وی دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل جدید را حاکی از گرایش‌شان مدرن در جامعه می‌داند که نسبت به نسل قدیم رخ داده و این تحول کیفیت زندگی و ابراز نظر فردی برجستگی بیشتر در مقابل هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و مذهبی گذشته دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۲). معید فر (۱۳۸۳) معتقد است شکاف نسلی پدیده‌ای است که در هر جامعه‌ای به تناسب تغییرات اجتناب‌ناپذیر اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد و آزادارمکی شکاف نسلی را به معنی تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری بین نسل‌های حاضر در خانواده از قبیل والدین و فرزندان با وجود پیوستگی کلان‌مناظر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی بیان می‌کند (آزادارمکی، ۱۳۸۳: ۵۷۳) که بر منافع، مطالبات و سوگیری‌های نامتجانس و ناسازگار میان نسل دلالت دارد (آزادارمکی، ۱۳۸۹: ۸۶).

از سوی دیگر، نتایج مطالعه بیانگر تاثیر ابعاد همدلی، میل و نیاز به پیشرفت، جهت‌گیری تساوی‌گرایانه، جهت‌گیری استقلال‌گرایانه، جهت‌گیری علمی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی بر مدیریت بدن والدین و فرزندان بوده است. در رابطه با تاثیر بعد استفاده از وسایل جمعی بر مدیریت بدن، این نتیجه در رساله قربانعلی پور (۱۳۹۲) تحت عنوان بررسی عوامل اجتماعی برگرایش زنان به مدیریت بدن در ایران طی سه دهه اخیر نیز تایید شده است. وی به وجود رابطه معنادار رسانه‌ها، خودشکوفایی، و مد و مدگرایی با میزان تمایل به تناسب اندام در بین زنان جوان اشاره کرده است. هم‌چنین اخلاصی (۱۳۸۶) در بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر مدیریت بدن در زنان شهر شیراز، بیان کرده است که بین مصرف رسانه‌ای و مدیریت بدن در میان جوانان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. احمدنیا (۱۳۸۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان جامعه‌شناسی بدن و بدن زنان، معتقد است اساساً الگوی فرهنگی غربی در سطح بین‌المللی که از طریق رسانه‌های جمعی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی تشدید و تسهیل می‌گردد، ارزش‌های خاصی مرتبط با اشکال و اندازه‌های بدنی ایده‌آل و مطلوب را مورد تأکید قرار می‌دهد، به طوری که این گونه ارزش‌ها به عنوان ایده‌آل‌ها و اهداف عینی بر رفتارهای افراد به‌ویژه در جوامع مختلف برای هماهنگ کردن یا نزدیک‌تر کردن خصوصیات بدن خود با این ارزش‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند. به علاوه، مک لوهان نیز معتقد است زمانی که فناوری جدیدی را وارد جامعه‌ای می‌گردد آن جامعه برای همیشه عوض می‌شود و جوانان به دلیل نوگرایی و آمادگی برای پذیرش تازگی‌ها بیشتر از افراد مسن، که افکار و عقایدشان شکل گرفته، تحت تاثیر این

تغییرات قرار می‌گیرند. یعنی جذب تغییراتی چون نحوه ارتباطات، مد، سیاست، و الگوپذیری غیر فرهنگی می‌شوند. به طوری که این الگوپذیری، که مغایر با ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی فرهنگ جامعه خودشان است، در آنها موجب بروز بحران هویت و در نهایت منجر به شکاف بین نسل‌ها می‌شود. بر اساس این رویکرد، تحولات سریع فناوریانه در حوزه اطلاعات و ارتباطات و دسترسی گسترده نسل جوان به رسانه‌هایی مانند ماهواره و اینترنت آنها را در موقعیت متفاوتی با نسل پیشین قرار داده است. سرعت این تحولات، سبک زندگی، رشد، و بلوغ جوان را تحت تأثیر قرار داده و روند جامعه‌پذیری را کاملاً دگرگون می‌کند. در گذشته روند جامعه‌پذیری عمدتاً از سوی خانواده، مدرسه، و نهادهایی انجام می‌شد که عناصری از نسل پیشین همچون پدر، مادر، معلم، واعظ، و معتمد در این انتقال فرهنگی نقش ایفا می‌کردند، اما امروزه دسترسی گسترده به امکانات نوین فناوریانه نسل جدید را در جریان تحولات تازه‌ای قرار داده است؛ بدین ترتیب، با تغییر مبانی ورود گزاره‌های ارزشی، نظام ارزشی این نسل نیز متفاوت از نسل پیشین می‌گردد (رحیمی، ۱۳۹۰). به عقیده تاجیک، نوسازی اجتماعی به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر فرهنگ جدیدی را به ارمغان می‌آورد که عاملان و حاملان مستقیم و بلافصل آن نسل‌های جوان جامعه اند. نوسازی اجتماعی جریان‌ی مشتمل بر توسعه علم و فناوری، نوسازی ارزش‌های اجتماعی و شیوه‌های زندگی، و ... است. این فرهنگ جدید دقیقاً در مرکز ثقل و نقطه وقوع شکاف و فاصله نسلی قرار دارد (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۷-۴۳). در رابطه با تاثیر ابعاد همدلی و میل و نیاز به پیشرفت، جهت‌گیری علمی، جهت‌گیری تساوای گرایانه و جهت‌گیری استقلال طلبانه در متغیر نوگرایی و نوسازی بر مدیریت بدن والدین و فرزندان نظریه نظریه پردازان نوسازی روانی نظیر لرنر و مک کله‌لند و شارما تایید شده است. نظریه پردازان این حوزه نقطه شروع نوسازی را در نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌بینند و متمرکز بر کنش‌ها و رفتارهای فردی و بین فردی در سطوح خرد و میانی هستند و به این دلیل نظریه پردازان این حوزه بیشتر از منظر روان‌شناسی اجتماعی به مسائل مربوط به نوسازی می‌نگرند. به عبارت دیگر، نوسازی روانی مفهومی است که به فرایندهای تغییر در سطوح ارزش‌ها، سبک‌های شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی و ... اطلاق می‌شود که در سایه تجاربی چون اقامت در شهر، نظارت بر بدن، رفتن به مدرسه، تماس با رسانه‌های جمعی به دست می‌آید و خود منجر به رفتارهایی می‌شود که دال بر توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه به ویژه جوانان دارد. گیدنز (۱۹۹۰) در این خصوص معتقد است که امروزه حتی در جامعه سنتی افراد به ویژه جوانان به صورت منفعلانه از سنت‌ها پیروی نمی‌کنند، بلکه افراد با تفسیر موقعیت‌های پیش‌رو و به صورت فعال و آگاهانه به بازسازی سنت‌ها می‌پردازند و آن‌ها را با عناصر جدید ادغام می‌کنند. بازاندیشی مدرنیته از مفاهیم محوری در اندیشه‌های گیدنز است. ال‌ریش‌بک نیز با تأکید بر مفهوم نوگرایی بازاندیشانه معتقد است که امروزه کنش‌گران این امکان را دارند که درباره خود و نظام روابطشان بازاندیشی کنند و در چنین شرایطی که امروزه شاهد شکل‌گیری جنبش‌های استقلال طلبانه، دفاع از حقوق و آزادی فردی و ... هستیم. این امر در بین فرزندان نسبت به والدین در شهر بیچار مشاهده شده است. به طوری که اغلب فرزندان نسبت به والدینشان اقدام به بازاندیشی در باره خود و نظام روابطشان کرده‌اند و برخورد منفعلانه نسبت به سنت‌های موجود در شهر بیچار ندارند. هم‌چنین براساس دیدگاه گیدنز «واقعیت این است که ما بیش از پیش مسئول طراحی بدن خویش می‌شویم و هرچه محیط فعالیت‌های اجتماعی ما از جامعه سنتی بیشتر فاصله گرفته باشد، فشار این مسئولیت را بیشتر احساس می‌کنیم» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۹۴). فرزندان در جامعه بیچار نسبت به والدینشان بیشتر تحت

تأثیر تغییرات محیط اجتماعی قرار گرفته اند و بیش از پیش مسئول طراحی و نظارت و دستکاری بدن خویش گشته اند. شایان ذکر است، همیشه تغییرات و دگرگونی های ارزشی بین دو نسل در جوامع پیامدهای منفی به همراه نمی آورد. زیرا اگر هر جامعه ای نحوه و شیوه برخورد صحیح با ارزش های جدید را ابتدا خود بداند و سپس از طریق مجاری رسمی و غیررسمی آن را به افراد جامعه به ویژه جوانان آموزش دهند، این امر می تواند منجر به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه گردد.

منابع

آزاد ارمکی، تقی و چاوشیان، حسین، (۱۳۸۱). بدن به مثابه رسانه هویت، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴. صفحات ۵۷-۷۵.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳) «رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی»، مجموعه مقالات مسائلی اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، نشر آگه.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌شناسی مناسبات بین نسلی، تهران، نشر علم.

اباذری، یوسف (۱۳۷۸)، جامعه شناسی بدن و پاره ای مناقشات، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۴، صفحات ۱۲۷-۱۶۰.

احمدنیا، شیرین. (۱۳۸۵)، جامعه شناسی بدن و بدن زنان، فصل زنان، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران، شماره ۵، صفحات ۱۳۲-۱۴۳.

اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۶)، بررسی نظری مبانی جامعه بدنی و لوازم آن با تاکید بر جامعه ایران، مجله تربیت، سال هفتم، شماره ۳، صفحات ۲۵-۴۵.

ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). جامعه شناسی توسعه، با تجدید نظر، اصلاحات و اضافات کلی، چاپ ششم،

افشارکهن، ج (۱۳۸۳). بازخوانی جامعه شناسی سنت گرایی و تجدید طلبی در ایران بین دو انقلاب، تهران، انتشارات آوای نور.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، مترجم (مریم وتر)، تهران، کویر.

بنوعزیزی، علی (۱۳۷۴). جایگاه سنت و تجدد، ترجمه محمد عابدی اردکانی، ماهنامه فرهنگ و توسعه، شماره ۱۸.

بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، موسسه نشر علوم نوین

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). «جامعه ایرانی و شکاف میان نسل‌ها»، نشریه راهبرد، ش ۲۶، زمستان.

چاوشیان تبریزی، حسن. (۱۳۸۱)، سبک زندگی و هویت اجتماعی، مصرف و انتخاب های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره ی اخیر مدرنیته، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

دیوب، اس، س (۱۳۷۷). نوسازی و توسعه، ترجمه ی سید احمد موثقی، تهران، انتشارات برنامه و بودجه.

ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۶)، جامعه شناسی جوانان، تهران، نشر آگه.

رحیمی، محمد (۱۳۹۰). «شکاف نسلی در رویکردهای جامعه‌شناختی»، وبسایت علوم اجتماعی ایران.

روزی بیدگلی، زهرا(۱۳۸۲). نوگرایی زنان فعال در حوزه فرهنگی، پژوهش زنان، دوره ۱، سال ۳، شماره ۷، صفحات ۱۷۷-۱۹۸.

شمس نجف آبادی، فاطمه(۱۳۷۶). مدرنیته، حوزه و دانشگاه پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه هند، (چاپ نشده).

سو، الوین(۱۳۸۸). تغییرات اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قربانعلی پور، سحر (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش زنان به مدیریت بدن در ایران طی سه دهه اخیر(مطالعه موردی: اضافه وزن و چاقی در شهر کرج)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۴. قاسمی، و، وحیداف؛ ربانی، ر؛ ذاکری، ز(۱۳۸۹). شناخت طبقه اجتماعی برنگرش نسبت به جریان نوگرایی، جامعه شناسی کاربردی، شماره پیاپی (۳۷)، شماره ۱، صفحات ۴۳-۶۸.

فرهمند، مهناز؛ خرم پور، یاسین؛ پارساییان، زهره؛ ماندگاری، فرزانه(۱۳۹۳). تاثیر مولفه های نوگرایی در حمایت خویشاوندی خانواده های شهر شیراز، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۳، صفحات ۱۴۹-۱۷۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵) پیامدهای مدرنیته. مترجم (محسن ثلاثی)، تهران: نشر مرکز. گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۱۳۸۷)، جامعه شناسی، با تجدید نظر کامل و به روز شده، مترجم(حسن چاوشیان)، تهران، نشر نی.

معیدفر، سعید (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴. موسوی، مرضیه سادات؛ علمدار، فاطمه سادات(۱۳۸۸). بررسی رابطه نوگرایی و دینداری(مطالعه در بین دختران جوان منتخب از مناطق ا، ۶، ۱۹ تهران)، زن و مطالعات خانواده، سال ۱، شماره ۴، صفحات ۱۵۹-۱۸۸. مهدی زاده، شراره (۱۳۸۱)، تهران و نوگرایی، رساله دکتری در رشته جامعه شناسی، دانشگاه تهران میرزایی، خلیل(۱۳۸۸). پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی، جلد اول، تهران، جامعه شناسان. وبستر، فرانک(۱۳۸۴). "نظریه های جامعه اطلاعاتی". مترجم(مهدی داوودی)، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

وینر، مایرون(۱۳۵۴). نوسازی در جامعه، ترجمه مقدم مراغه، تهران، وانکلین.

Anderson, c . c Nicklas , S. and Crawford(1994).Global Understanding:A framework for teaching and learning .Ased.Alexandria, VA.

Berger, Peter L. and Berger, Brigitte (1967) Sociology: a biographical approach, UK. Penguin Books.

Giddens, Anthony (1990) the consequences of modernity, London, Polity Press.

Inkeles. Alex. (1976).Become modern. Individualchang in six developing contries. Massachusetts; Harvard univercity press Cambridge.

Smith, A .P.(1976).Towards a Global culture. In M Featherstone (ed), Global Culture: Nationalism,Globalization and Modernity.Sage:London.

Shilling, Chirs,(1979). *Body and Social Theory*, London: Sage Publication.

Sharma U(2001), "Men are real women are made up Beauty Therapy and the Construction Of feminist", The Editorial Board of Sochologycal Review, *London Journal of Sociology*, vol 78, No 5 .

Turner, Bryan. (1992) Religion and Social Theory. London. Sage.

Turner, Bryan S.(1996)The Body and Society(Exploration in Social Theory). London: Sage Publications.

Turner, Bryan S.(1995) Aging and Identity:Some Reflections on Somatization of the Self Pp.245K-260. In M.Featherstone and A.Wemick(Eds.), Images of Aging : Cultural Representations of Later Life.London:Routedg.

Webster,Andrew(1995).Introduction to the Sociology of Development, London,Macmilan.

The relationship between modernization in geographical-cultural factors with managing the lifestyle of the residents of Bijar city, Kurdistan province

Soraya Qazi

Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mostafa Azkia¹

Department of Sociology, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Sasan Vadiyeh

Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

One of the effects of modernization is the transformation in the production and reproduction of lifestyle. Young people in any society are pioneers in welcoming cultural changes and are a part of the society that show the talent of cultural break and non-recreation of traditional ways of life. The lifestyle of parents and children in Kurdistan province has been fulfilled. The theories of Lerner, McClelland, Smith and Inkels, Sharma and Turner have been used in this research. The research method is causal-comparative. The statistical population includes unemployed parents and children, (children who live with their parents), of course, parents in the age range of 40 to 60 years and children in the age range of 15 to 30 years have been studied. A multi-stage cluster random sampling method was used to select the studied samples. The number of samples was estimated to be equal to 768 people. The data was collected from the questionnaire made by the researcher. Validity and reliability of the measurement tool were confirmed. The data was tested using spss software and two-way analysis of variance. The results showed that the dimensions of empathy, desire and need for progress, mass media, egalitarian, independence-seeking, and scientific orientation have had an impact on the lifestyle management of parents and children in Kurdistan province.

Keywords: Lifestyle, modernity, modernization, renovation, Bijar.

¹. (Corresponding author): Mostafa_azkia@yahoo.com